



بسمه تعالی

جلسه چهارم سواد رسانه‌ای استاد خانم کیانی

۲- اصل مسئولیت‌پذیری: ۱- در سطح کلان ۲- در سطح مسئولیت‌پذیری فرزند ۳- در طرح مسئولیت‌پذیری تعریف می‌شود. سطح اول و کلان شامل سیستم آموزش و پرورش و مدل‌های آموزشی می‌شود که به بچه‌ها داده می‌شود و این که بچه‌ها را چقدر مسئولیت‌پذیر بار می‌آورد که به چیزهایی بر می‌گردد که رسماً دست ما نیست. سطح دوم: قانون‌پذیری بدون اصل مسئولیت‌پذیری رسماً قابل اجرا نیست و اگر مسئولیتی در خانواده احساس نکنیم نمی‌توانیم انجام دهیم و این که مسئولیت‌پذیری والدین و فرزندان باید باهم توأم باشد و با هم اتفاق بیافتد، حالا چطور بچه‌ها را مسئولیت‌پذیری پرورش دهیم؟ نکته‌ی اول: مسئولیت‌پذیری درجه‌بندی دارد و باید دید چند درصد است مثلاً عده‌ای می‌گویند بچه‌ی من ۵۰ درصد است و دیگری ۲۰ درصد است و این به شرایط خانواده‌ها که به چه شکل است بر می‌گردد و باید علت‌ها بررسی بشود و برای هر خانواده متفاوت است. توصیه می‌شود که به بچه‌ها گفته شود که مسئولیت خود را تعریف کن تو فرزند یا نوه‌ی خانواده‌ای تو عضو این گروهی و یا شهروند این جامعه هستی، آیا به نقش خود درست عمل می‌کنی و به جای این که به بچه بگوئیم این کارت را درست انجام نمی‌دهی باید از نقش خود (والدین) صحبت کنند و والدین هم باید به نقش‌های خود فکر کنند و حتی بنویسند، ما یک قوه‌ی خیال و یک قوه‌ی عقل داریم و نوشتن راه کاری که با قوه‌ی عقل مجبور می‌شوی بنویسی و بعد با بچه‌ها در این مورد صحبت کنید و بپرسید از آن‌ها که به نظر تو من این مسئولیت را خوب انجام می‌دهم و این نشان می‌دهد که هر دو مسئولیت فرزند و والدین باید با هم اتفاق بیافتد.

۳- اصل سوم آموزش و آگاه‌سازی: سه محوری که در آموزش باید مورد توجه ویژه والدین قرار بگیرد:

۱- آشنایی با آداب و رسوم فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی ۲- آشنایی با روش‌های تربیتی ۳- آگاهی‌های رسانه‌ای تا وقتی که با روش‌های تربیتی آشنا نشویم در حوضه‌ی اول صحبت کردن غلط است. کتاب نامه‌ای بلوغ از آقای صفایی حائری کتاب خوبی است. ایشان از مفهوم تربیت صحبت می‌کنند، آقای حائری خاطره‌ای را تعریف کردند که یک روز صبح یکی از شاگردان‌شان درب خانه را می‌کوبد و به منزل می‌آید، ایشان سؤال می‌کنند کاری دارید شاگرد من می‌کند و آقای حائری می‌گویند اول برو یک دست کله و پاچه بگیر و بیا و بعد صحبت می‌کنیم، بعد از خوردن شاگرد بدون این که چیزی بگوید از منزل می‌رود. اطرافیان آقای حائری سؤال می‌کنند، او سؤال نپرسید پس چه شد آقای حائری گفتند او از من توجه می‌خواست وقتی نیازش رفع شد رفت. مثال بعدی: استادی در مورد نشخوار ذهنی صحبت می‌کرد برای خلاص از آن: فرض کنید یک بچه‌ی ۳ ساله بگوید من فلان چیز را می‌خواهم شما هم بگویید برو حالا کار دارم برای بار دوم بچه می‌آید و شما می‌گویند برو میام الان دست من بند است ولی احتمالاً بار سوم که



بچه می آید شما قاطی می کنید و از کوره در می روید که البته این طرز برخورد با یک کودک سه ساله نیست و باید او را بغل کنید و گوش کنید که چه چیزی را می خواهد و پاسخ دهید. افکار مزاحم هم مثل این کودک است و باید خودت با خودت حرف بزنی افکار پذیری و خود را در آغوش بکشی نه این که مقابله کنی.

۳- محور سوم: ۴ وجه دارد ۱- چستی رسانه‌ای دیجیتال ۲- کارکرد رسانه‌ای دیجیتال ۳- مالکان و گردانندگان رسانه‌ی دیجیتال ۴- باید و نبایدهای رسانه‌ای دیجیتال

۴- **اصل چهارم الگو سازی:** با عمل اتفاق می افتد نه با حرف، ما خیلی مواقع به بچه مستقیم می گویم این الگو خوب است و حرف می زنیم ولی بچه فیلم که می بیند از روش غیرمستقیم انتخاب می کند، الان شرکت‌های زیادی هستند که حتی بصورت انیمیشن الگوهایی برای زنان درست می کنند بصورت ابر قهرمان که اثر زیادی غیرمستقیم دارد و هنر رسانه افراد را به این سمت می برد که من الگوی تو هستم.

۵- **اصل پنجم مدیریت:** در ۵ سطح تعریف می شود، مثلاً در بحث مدیریت این نکته قابل توجه است که مدیریت و نظارت باشد نه کنترل گری رکن زندگی برنامه ریزی و پایه‌ی آن مدیریت است. ۱- **مدیریت نیاز:** در چه سنی به چه رسانه‌ای نیاز دارد مثلاً کودک زیر ۲ سال نباید تلویزیون ببیند و نیاز باید واقعی و کاذب نباشد. ۲- **مدیریت ابزار:** چه ابزاری در اختیار بچه قرار بدهیم و طبق نیاز سراغ ابزار می رویم. ۳- **مدیریت محتوا:** چه محتوایی از طریق ابزار باید به دستش برسد. ۴- **مدیریت زمان:** مقدار و زمان استفاده از ابزار و محتوا را انتخاب کرد مثلاً یک ساعت استفاده از فضای مجازی برای زیر ۱۸ سال کافی است.

* وقتی نیاز محتوا، ابزار در یک راستا و درست کنار هم باشند می شود زمانش را انتخاب کرد و مدیریت کرد.

۵- **مدیریت مکان:** دسترسی به رسانه در محیط خلوت ممنوع، حالا می شود رسانه اگر در اتاق هست باید صفحه‌ی مانیتور رو به در باشد و در اتاق نیمه باز باشد و رفتار و سواستی و سوء ظنی نباید باشد بنابراین باشه خوبه و اتفاقی نمی افتد.

پایان مبحث